

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره چهارم (پیاپی ۲۸)، ۱۳۹۴، صص ۱۱۶-۱۰۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۳

بانک شاهی کرمانشاه و تأثیر عملکرد آن بر جامعه و اقتصاد منطقه

باقرعلی عادلفر* - زهرانادی**

چکیده

بانک شاهی کرمانشاه یکی از شعبه‌های بانک شاهنشاهی بود که در سال ۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲ م، با مدیریت لوئی رابینو (Louis Rabino) افتتاح شد. از خدمات اساسی این بانک، پرداخت وام و نقل و انتقال وجوه بود. مردم با داشتن ضامن معتبر یا گرو گذاشتن قبالة ملک و منزل، به راحتی می‌توانستند از این تسهیلات بهره ببرند. در این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده است تا ضمن واکاوی ساختار و عملکرد بانک شاهی کرمانشاه، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که فعالیت بانک چه پیامدهایی برای جامعه و اقتصاد کرمانشاه به همراه داشته است. نویسندگان مقاله پس از بازخوانی اسناد متعدد، به این نتیجه دست یافته‌اند که این شعبه با وجود تأثیر مثبت در رونق امور تجاری و اقتصادی، در بلندمدت نتایج منفی برای کرمانشاه در پی داشت. وابستگی تجار به وام‌های بانکی و ناتوانی آنان در وصول بدهی‌ها، ورشکستگی و از دست رفتن سرمایه آنان را منجر شد. بانک افزون بر خارج کردن تجار از سیستم تجارت داخلی و خارجی، با مصادره املاک و زمین‌های تجار و دیگر سرمایه‌داران، به صورت غیرمستقیم، نفوذ خود را در این ایالت حساس مرزی توسعه و تحکیم بخشید. از سوی دیگر، بانک با حمایت کردن از اقدامات ناشایست کارمندان ایرانی شعبه کرمانشاه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به اقشار مختلف کرمانشاه وارد کرد. این امر باعث شد، تا مردم برای بهره بردن از حمایت دولت‌های بیگانه، تحت تابعیت آنان قرار گیرند. این مسئله بحران هویت فرهنگی را به وجود آورد که با حضور انگلیسی‌ها و ورود کالاهای خارجی تشدید یافت.

واژه‌های کلیدی: بانک شاهی انگلیس، کرمانشاه، تجار، اسماعیل‌خان، مناسبات مالی، اقتصاد.

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسئول) Badelfar@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین dr.Nadi.zahra90@gmail.com

مقدمه

در ایران، بانکداری به عملیات صرافانه محدود می‌شد که از زمان‌های قدیم رواج داشت. علت اصلی پیدایش و توسعه این حرفه، احتیاج روزانه مردم به تعیین وزن و عیار مسکوکات بود (تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، بی‌تا: ۱۵). عملکرد صرافان و خدمات رسانی آنان، با توجه به اقتضای زندگی مردم و رونق یا رکود مسائل تجاری و بازرگانی جامعه، در دوره‌های مختلف تاریخی متغیر بود (تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، بی‌تا: ۱۷). در دوره قاجار، قبل از تأسیس بانک شاهنشاهی، نقل و انتقال‌های پولی توسط صرافان صورت می‌گرفت. افزون بر این، صرافان صدور حواله‌های خطی، رواج بیجک^۱ به مثابه یک وسیله پرداخت، تنزیل و خرید و فروش برات‌های داخلی و خارجی و اعطای اعتبار تا پنج سال را نیز در دست داشتند (تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، بی‌تا: ۲۱).^۲ قران، پول رایج این دوره را ضرابخانه‌های شهرها و ضرابخانه مرکزی تهران، به صورت سکه‌های فلزی ضرب می‌کردند. در کنار مسکوکات که به علت نبودن مؤسسات صرافانه و بانکی معتبر در امر داد و ستد مشکلاتی را ایجاد کرده بودند، اسناد اعتباری نظیر تمسک، برات و حواله نیز رواج داشت.

انگلیسی‌ها با گشایش و فعالیت بانک شاهانه در سال ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۹ م، سیستم نوین بانکداری را وارد ایران کردند. افزون بر این، بانک شاهنشاهی موفق شد پس از ضرابخانه دولتی، نشر اسکناس را به دست گیرد و برای اولین بار، اسکناس‌های کاغذی منتشر کند. شعبه مرکزی این بانک در تهران بود و طبق امتیازنامه، مختار بود در هر شهری که احساس نیاز می‌کند، شعبه‌ای تأسیس کند. کرمانشاه به علت موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی خود، یعنی نزدیکی به منابع نفتی بریتانیا و مجاورت با عثمانی،

از اهمیت خاصی برخوردار بود. از این رو، در سال ۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲ م، یکی از شعبه‌های بانک شاهنشاهی در این منطقه افتتاح شد.

در این پژوهش، تأسیس و نحوه فعالیت شعبه کرمانشاه، بر اساس اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران بررسی شده است. همچنین ضمن بهره‌گیری از سایر کتاب‌ها و مقاله‌ها، تلاش شده است تا با روش توصیفی تحلیلی، به این پرسش پاسخ داده شود که عملکرد شعبه بانک کرمانشاه، چه پیامدهایی برای کرمانشاه در برداشته است؟

در بحث پیشینه پژوهش، بایستی اشاره کرد که در زمینه بانک شاهانه کرمانشاه تحقیق مستقلی انجام نگرفته است. منابعی مانند مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو اثر لوئی رابینو، تاریخ بانک شاهنشاهی ایران؛ گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان اثر مظفر شاهی وه. لوئی رابینو ایران دوست ایران شناس اثر محمد مشیری، همچنین آثار لاتین *From Persian upland* از اف. هیل و *H.L. Rabino di Borgomale* از مینورسکی، گذرا به این مسئله نگاه کرده و اطلاعات پراکنده‌ای را در اختیار نگارندگان گذاشته‌اند.

رؤسا و کارمندان بانک شاهانه کرمانشاه

اولین رئیس بانک شاهانه کرمانشاه، لوئی رابینو بود. وی در سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م، وارد ایران شد و برای مدتی به عنوان منشی، به پدرش خدمت کرده و در امور بانکی، به وی کمک کرد (رابینو، ۱۳۵۲: سیزده). رابینو در سال ۱۳۲۱ ق/ ۱۹۰۲ م، مأمور افتتاح بانک شاهانه شعبه کرمانشاه شد. به گزارش وزارت خارجه، در ۱۲ شوال ۱۳۲۱ ق/ ۱۹۰۲ م، از بوشهر وارد خاقلین شد و بعد از دو روز، به کرمانشاه رسید (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۱ ق، سند شماره ۶۵-۱۸-۱۴). وی به

ایرانیان کمتر استفاده شود. به طور معمول، رئیس و معاون بانک انگلیسی بودند؛ البته به جز همدان که جکسن، از یک ارمنی، در سمت ریاست بانک یاد می‌کند (جکسن، ۱۳۵۷: ۱۷۲). سمت حسابدار و منشی و مترجمی نیز در اختیار ایرانیان بود. این افراد وظیفه داشتند در هنگام بروز اختلاف میان تجار و بانک یا تاجر خارجی، به وساطت میان آنان پردازند (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۴۳/۱). بانک شاهی کرمانشاه، اسمعیل نامی را به عنوان کارمند استخدام کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۱-۱-۱۹) و عزیزالله نامی نیز فراش بانک بود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵-۹-۱۱).

ساختمان بانک

دولت به شهرستان‌ها دستور داده بود که از یاری‌رسانی به بانک و واگذاری محل، دریغ نورزند (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۸ و ۲۹). این شعبه طی سال‌های اولیه فعالیت خود، مکانی را اجاره کرد و در سال‌های بعد، آن محل را خرید. در پی این اقدام، وزیر امور خارجه طی تلگرافی، از کارگزاری کرمانشاه درخواست کرد که تحقیقات خود را درباره مکان بانک و مساحت آنکامل کند و به اطلاع این وزارتخانه برساند و در صورت نبود مشکل، قباله را مهر و امضا کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۴۰-۵-۴۰). اما کارگزار کرمانشاه، از ثبت قباله امتناع ورزید. او علت همکاری نکردن خود را این‌گونه بیان کرد که توافق میان فروشنده و بانک، در چند سال قبل بوده و هر چند، طی این سال‌ها، فروشنده اعتراض و شکایتی نکرده است، اکنون بایستی مدیر بانک به همراه فروشنده و اقرار وی، به راضی بودن فروش محل، به کارگزاری مراجعه کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱۰۵-۵-۴۰). از سوی دیگر، طبق دستور وزارتخانه، وی موظف بود تا در این گونه

مدت سه سال، مدیر این بانک بود. دوران خدمت او در شعبه کرمانشاه، با وظایف کنسولی در حوزه کردستان ایران توأم شد (Minorsky, 1952: 180)؛ سپس، از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ق/۱۹۰۷ تا ۱۹۱۲ م، به سمت رسمی کنسول و ویس کنسول (Viskonsul) انگلستان در رشت برگزیده شد (مشیری، ۱۳۵۲: ۷۱۰). به طور دقیق، مشخص نیست که بعد از رابینو چه کسی عهده‌دار بانک شد و فعالیت بانک کرمانشاه یکسال بعد از آغاز جنگ جهانی اول و ورود آلمانی‌ها به این منطقه، با بحران مواجه شده و به صورت کوتاه تعطیل شد.

بعد از سه ماه تعطیلی موقت، در ۱۶ رمضان ۱۳۳۳/۲۸ جولای ۱۹۱۵، اداره انگلیس تصمیم گرفت مسیو دوری (Mr.Dorry) را برای دائر کردن مجدد بانک، به کرمانشاه بفرستد. وی ریاست بانک همدان را نیز بر عهده داشت. اداره انگلیس علت این امر را درخواست تاجر کرمانشاه، برای سهولت امور مالی و تجاری‌شان عنوان کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۲-۱۴-۳۴). بعد از مسیو دوری، در سال ۱۳۳۶ ق/۱۹۱۷ م، اف.هیل (F.Hale) که در این زمان، ریاست بانک بیرجند را بر عهده داشت به خدمت در بانک کرمانشاه فراخوانده شد. از اقدامات روسای بانک و عملکرد این مؤسسه، اطلاعات چندانی در دست نیست. این بانک فعالیت خود را تا سال ۱۳۲۸ ش/۱۹۴۹ م، ادامه داده و طبق گزارش شهربانی کرمانشاه، در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۲۸، به بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه تغییر نام داد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره، ۲۹۰/۵۱۵۰).

کادر اداری بانک متشکل از رئیس، معاون، حسابدار، منشی، تحصیلدار و مترجم بود؛ البته، بنا به موقعیت منطقه‌ای که در آن شعبه تأسیس می‌شد، تعداد کارمندان تغییر می‌کرد. به جز شعبه مرکزی که در تهران بود، در سایر شعبه‌ها، تعداد کارمندان از دو یا سه نفر تجاوز نمی‌کرد. دولت بریتانیا تلاش کرد که در اداره بانک، از

ضمن اینکه حکام املاک و اراضی کشاورزی و مستغلات گسترده‌ای داشتند و به لحاظ اقتصادی نیز، تأمین کننده اهداف مدیران بانک شاهنشاهی محسوب می‌شدند (شاهدی، ۱۳۸۷: ۲۴۷).

ب. تأمین امنیت بانک و محموله‌های آن

همانطور که ذکر شد همکاری بانک و حکام، رابطه‌ای دو سویه بود. مدیران بانک در مقابل خدمات خود، چنان‌که ضرورت کاری ایجاب می‌کرد، خواهان تأمین امنیت بانک بودند. با توجه به ضرورت این امر بخشی از مکاتبات، مبنی بر درخواست رئیس بانک، برای فرستادن نگهبان، با هدف حفظ محموله‌های بانک بود. مسئولیت تأمین این امر بر عهده حاکم و نایب‌الحکومه بود. اکثر مکاتبه‌ها میان وزارت امور خارجه و بانک و حکومت‌های محلی صورت می‌گرفت. در تاریخ ۷ ذیحجه ۱۳۲۷/۳ سپتامبر ۱۹۰۹، وزارت خارجه طی تلگرافی، از حکومت کنگاور و کرمانشاه درخواست نگهبان، برای محموله بانک شاهنشاهی، در مسیر اسدآباد و کنگاور کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۷ق، سند شماره ۸۹-۵-۴۰). محتشم‌السلطنه، حکمران کرمانشاه، طی تلگرافی در ۸ ذیحجه ۴/۱۳۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹، اعلام کرد که پنجاه‌سوار از کرمانشاه و حدود سی نفر نیز از سوارهای فخیم‌السلطنه^۳ که نگهبان بیستون بودند، برای محافظت از محموله صدوسی هزار تومانی بانک فرستاده شدند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۷ق، سند شماره ۶۷-۵-۴۰). نبود امنیت و حضور اشرار در راه‌ها، از مشکلات بانک در نقل و انتقال‌های پولی و در نتیجه، نامه‌نگاری‌های متعدد با حکومت و وزارتخانه بود. چنان‌که به علت ناامنی در مسیر همدان، دولت از بانک تقاضا کرد که محموله را در

امور دخالت نکند؛ از همین رو، قباله برای ثبت و امضا به تهران فرستاده شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱۸۶-۵-۴۰).

تعامل مالی و تجاری بانک شاهی کرمانشاه

تعامل شعبه‌های بانک در شهرستان، تابع شعبه مرکزی بود؛ ولی به علت کوچک‌تر بودن محیط اجتماعی شهرستان‌ها، مناسبات محدودتری با طبقات اجتماعی برقرار بود. از این رو، بر اساس اسناد، مناسبات مالی و اعتباری بانک شاهی به روابط با حکام محلی، رؤسای اداره‌ها، تجار و اعیان، زمینداران و مردم بومی تقسیم می‌شد.

مناسبات با حکام محلی

حکام و امرای محلی، به عنوان نماینده دولت مرکزی، در رأس هرم قدرت منطقه قرار می‌گرفتند. آنان به علت برخورداری از این جایگاه و التزام به همکاری‌کردن و یاری دادن اتباع خارجی مقیم منطقه خود، جزو اولین گروه‌هایی بودند که با بانک ارتباط برقرار کردند. مناسبات امرا و روسای بانک، ارتباطاتی دو سویه و بنا بر ضرورت‌های آن زمان بود که خود، چندین حوزه را در برمی‌گرفت:

الف. دادن اعتبارات به حکام و امرای محلی

هدف بانک از دادن وام و تأمین اعتبار لازم برای حکام محلی، تقویت جایگاه خود در منطقه و نفوذ در حکام و استفاده از آن به عنوان یک اهرم فشار بود. این گونه که اگر زمانی، حاکم محلی برخلاف علائق آنان، دست به کاری زند با درخواست وصول بدهی، او را تحت فشار قرار دهند. با این روش، مدیران بانک می‌توانستند عملکرد و حاکمیت او را در منطقه، تحت کنترل درآورند و مطابق میل خود پیش ببرند؛

او برای جلوگیری از هر گونه حادثه‌ای، درخواست اعزام نگهبان از بروجرد به کرمانشاه را کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۴-۵-۴۳). این امر در اسناد دیگر نیز، بازتاب یافته است. زمانی که اداره انگلیس تصمیم گرفت میسو دوری را به کرمانشاه بفرستد، از وزارت خارجه تأمین امنیت فرستاده‌ها و ساختمان بانکرا درخواست کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۲-۱۴-۳۴)؛ اما، وزارت خارجه امنیت منطقه را برای بازگشایی بانک کافی ندانست (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۵-۱۴-۳۴) و طی نامه‌ای در ۱۲ شوال ۱۳۳۳/۲۳ آگوست ۱۹۱۵، از اداره انگلیس خواست که بعد از بهبود اوضاع و ورود حاکم جدید، برای دایر کردن بانک اقدام کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۴-۱۴-۳۴). افزون بر تأمین امنیت، اگر زمانی به کارمندان بانک صدمه و آسیبی وارد می‌شد، سفارت انگلیس به وزارت داخله شکایت می‌کرد و خواهان رسیدگی و مجازات عاملان می‌شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶ق، سند شماره ۲-۲۸-۳۲).

مناسبات مالی با رؤسای اداره‌ها

از دیگر فعالیت‌های بانک، رتق و فتق امور مالی اداره‌های کرمانشاه بود. برای نمونه، طبق گزارش شریف‌الملک، کارگزار و رئیس تذکره کرمانشاه، وی در ۱۵ رمضان ۱۳۲۴/۱۶ جولای ۱۹۰۶، معادل پانصد تومان از بابت تذکره، به بانک داد و در مقابل آن، رسید دریافت کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۱ق، سند شماره ۲۹-۴-۲۷). همچنین، کارگزار یدر تاریخ ۱۵ شعبان و ۴ رمضان ۱۳۲۴/۱۹۰۶م، هزینه‌های فروش تمبر دولتی را به بانک واگذار کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۱ق، اسناد شماره ۲۳-۴-۲۷ و ۲۸-۴-۲۷).

کنگاور متوقف کند تا ضمن بهبود اوضاع، نگهبان کافی نیز از کنگاور تا همدان گماشته شود. در این رابطه، دستوره‌های جداگانه‌ای نیز برای امرای سایر شهرها، در راستای همکاری با بانک، ارسال می‌شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۷ق، سند شماره ۵-۶۹-۴۰). بدین ترتیب، به علت ناامنی و جا به جا نشدن پول، گاهی اوقات معامله و تجارت دچار نقصان می‌شد (بشیری، ۱۳۶۲: ۴۰۰/۲).

بخشی دیگر از مکاتبات نیز، شامل درخواست تأمین امنیت، برای خود ساختمان بانک و کارمندان آن بود. در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۳/۸ آوریل ۱۹۱۵، به علت حضور آلمانی‌ها در کرمانشاه و ایجاد اغتشاش در این منطقه، رئیس بانک خزانة را به همدان انتقال داد و تمام معاملات با تهران را قطع کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۹-۱۴-۳۶). وی علت تعطیلی بانک را ترس از هجوم مردم، برای نقد کردن اسکناس‌های خود اعلام کرد و ضمن گزارش از حضور صدوپنجاه آلمانی مجهز به مسلسل و توپ در این منطقه، از دولت ایران متفرق کردن آنان و تأمین امنیت کارمندان بانک را تقاضا کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۸-۱۴-۳۴). وزارت داخله ایران نیز، در ۳۰ جمادی‌الاول ۱۳۳۳/۱۵ آوریل ۱۹۱۵، اعلام کرد تا وقتی صحت این خبر را وزارت خارجه تأیید نکند، با سفارت آلمان مذاکره نخواهد کرد؛ اما دستوره‌های لازم را برای تأمین امنیت بانک، به حکومت کرمانشاه داد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۳/۲۵۱۷).

در پی این دستور، در ۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳/۱۶ آوریل ۱۹۱۵ معضداً الملک، حکمران کرمانشاه، به وزارت خارجه ایران گزارش داد که با وجود فقدان اداره نظمی، کنسول‌های روس و انگلیس و بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی تحت حفاظت کارگزاری و حکومت هستند.

مناسبات با تجار

کرد و باعث شد برای بازگشت سرمایه خود، با روش‌های مختلف وارد عمل شود؛ برای نمونه، در برخورد با تجار، با تشکیل جلسه‌ای با حضور دو یا سه نفر از تجار محترم، مشکل را حل می‌کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۶-۱-۱۹). در صورت حل نشدن مشکل، به مصادره اموال آنان اقدام می‌کرد؛ چنان‌که در مقابل چک‌های اسدالله پشمچی، انبارهای پشم وی را توقیف کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۸-۱-۱۹)؛ یا در مقابل مسامحه یوسف الرندی در پرداخت بدهی خود، خانه وی را در سنندج که قبالتاش در نزد بانک بود، مصادره کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۸ق، سند شماره ۱-۴۸-۳۵). گاهی اوقات هم، کسانی را که با بانک معاملات داشتند ضرب و شتم می‌کرد؛ برای نمونه، رستم از تجار نامی کرمانشاه را که در ادای قرض خود به بانک، دچار مشکل شد شکنجه داد؛ سپس وی را دستگیر کرد و برای اخذ وجه بانک، به کارگزاری کرمانشاه تحویل داد (شاهدی، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

شیوه دیگر بانک در وصول بدهی‌ها، توسل به کارگزاری و حکمران کرمانشاه بود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۰ق، سند شماره ۱-۲۳-۴۱). این امر در اسناد متعددی بازتاب یافته است؛ برای نمونه، قصور حسین نامی در پرداخت بدهی‌اش، موجب شکایت بانک به شریف‌الملک، کارگزار کرمانشاه، شد. وی شصت تومان را پرداخت؛ اما در ادای پنجاه تومان باقی مانده مسامحه کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵۸-۹-۱۱). بانک همچنین برای جلب همکاری حکام، قراردادی را با آنان امضا می‌کرد که در صورت کمک، در وصول بدهی‌ها، مبلغی را به عنوان کارمزد به آنان عطا کند. این طرح را شعبه مرکزی و شعب شهرها و ایالات مختلف کشور به کار گرفت و تا درجه بسیاری کارایی

بانک افزون بر وصول و امضای قبوض تجار، بسیاری از محصولات آنان را می‌خرید و به نام بانک می‌فروخت. در ماجرای اسدالله پشمچی، به تفضیل به آن اشاره خواهد شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱۵۸-۱-۱۹-۱۳۲۸).

مناسبات با مردم: اسناد و مدارک باقی مانده، حاکی از قروض متعدد این بانک، به اقشار مختلف است. این بانک در طول فعالیت خود، متجاوز از ده هزار تومان را به اعیان شهر و روسای عشایر وام داد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۰ق، سند شماره ۱-۲۳-۴۱). مردم عادی نیز، با آوردن ضامن و وثیقه، به راحتی از این بانک وام می‌گرفتند؛ برای نمونه، یوسف الرندی با گذاشتن قبالت منزل خود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۸ق، سند شماره ۱-۴۸-۳۵) و اسماعیل باقر در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹/۲۰ آوریل ۱۹۱۱، با ضمانت امیرافخم، از بانک وام گرفتند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۹ق، سند شماره ۱-۱۵-۴۰).

شیوه بانک در وصول اعتبار

بانک در آغاز فعالیت خود، برای پذیرفته شدن شیوه نوین بانکداری و تحکیم جایگاه بانک در جامعه ایرانی، تلاش کرد تا شیوه‌های خدمت‌رسانی خود را تسهیل بخشد. از این رو، با گرفتن تعهد و وثیقه و تضمین از وامگیرندگان و ضامن‌ها، به آنان تسهیلات اعطا می‌کرد. با این روش، بانک از سویی، با جلب اعتماد مردم و جذب سرمایه‌های آنان، توانست امور مالی و تجاری را کنترل کند؛ از سوی دیگر، به مقصود اصلی خود که به دست گرفتن شریان‌های اقتصادی کشور و جامعه عمل پوشاندن به منظورهای سیاسی بود، دست یافت. اما این شیوه، بانک را در وصول طلب‌های خود با مشکل مواجه

کرمانشاه، در ۷ جمادی الاول ۱۳۲۹/۶ می ۱۹۱۱، اداره انگلیس از تعلل و مسامحه اسماعیل باقر در ادای بدهی اش، به امیرافخم شکایت کرد و از او کمک طلبید (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۹ق، سند شماره ۱-۱۵-۴۰)؛ اما بی توجهی امیرافخم، باعث ارجاع شکایت به وزارت خارجه شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۹ق، سند شماره ۳-۱۵-۴۰). علاء-السلطنه، وزیر خارجه ایران، ضمن ابراز تأسف از این ماجرا، به کارگزاری و ایلات کرمانشاه دستور داد که از هیچ گونه مساعدت و همراهی با بانک دریغ نورزند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۱-۱-۱۹). در پی این دستور، نورمحمدخان مشهدی باشی رابه عنوان مأمور وصول مطالبات بانک، به کرمانشاه فرستاد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵-۹-۱۱). در گام آخر، بانک در صورت وصول نشدن اعتباراتش، از دولت ایران درخواست می کرد که بدهی مقروضان را پرداخت کند. این امر در قروض شش هزار تومانی اعظم الدوله، فخیم السلطنه و سردار اجلال^۴ و تقاضا از وزارت خارجه در پرداخت بدهی های آنان، در راستای حفظ منافع بانک، بازتاب یافته است. این افراد به جرم حمایت از استبداد (سنجایی، ۱۳۸۰: ۱۸۳) دستگیر شده بودند و املاکشان را دولت مصادره کرده بود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱-۱۳-۴۰).

عملکرد اسماعیل خان، کارمند ایرانی بانک کرمانشاه

یکی از کارمندان ایرانی بانک، اسماعیل خان بود که تمامی امور مالی بانک و وصول و امضای قبوض تجار را ساماندهی می کرد. وی در طول خدمت خود، به سوءاستفاده و خیانت به بانک متهم شد و توقیف او در دسرهایی را برای تجار و سایر وام گیرندگان ایجاد کرد. در ادامه به آن اشاره می شود:

داشت. به ویژه اینکه حکام محلی در دریافت بدهی بانک از بدهکاران، از اعمال هر گونه فشار ابایی نداشتند (شاهدی، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

احتشام السلطنه نیز در خاطرات خود اشاره می کند که بانک برای پس گرفتن بدهی های خود، به طور معمول، از حکام محلی استفاده می کرد و عدهای فراش مسئول و مأمور وصول این دیون بودند و مبالغی به عنوان دستمزد، از بانک دریافت می کردند (احتشام السلطنه، ۱۳۷۰: ۱۸۲). وی که خود از بدهکاران بانک شاهی بود در این باره می نویسد: «روزی به امر شاه، مهدیخان کاشی، آجودان مخصوص، به خانه من آمد که حسب الامر برای وصول پول بانک شاهنشاهی آمده ام و از اینجا نمی روم مگر اینکه پول بانک را بگیرم و برخیزم. کار نزدیک به آبروریزی بود» (احتشام السلطنه، ۱۳۷۰: ۱۷۹).

در برخی مواقع، بی توجهی حکام محلی به درخواست کارمندان بانک، باعث توسل آنان به مقامات ارشد، از جمله وزارت امور خارجه و اداره انگلیس، می شد. در واقع، بانک برای حمایت از اقدامات خود در یک کشور خارجی، به اداره امور خارجی متکی بود و در عوض، موظف بود نیازهای اداره خارجه را برطرف کند (Bostock, 1989: 103). حمایت دولتمردان انگلیسی از فعالیت بانک و شعبه های آن و رسیدگی به شکایت کارمندان آن که گاه حتی، به مناظره و اختلاف با دولت ایران می انجامید، از اهمیت کارکرد اقتصادی و سیاسی این مؤسسه ها، برای اهداف دولت انگلیس حکایت می کند. روابط بین بانک شاهنشاهی و دولت بریتانیا یکی از مهم ترین مباحث، در تاریخ بانک است و از دیدگاه جفری جونز (Geoffrey Jones) این بانک به عنوان هدف اصلی در خدمت منافع دولت بریتانیا بود (Clawson, 1988: 117). در پی شکایت بانک

ماجرای تاجر اسدالله پشمچی

اسماعیل خان در شعبه کرمانشاه، واسطه میان بانک و تاجر بود. وی در تاریخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴/۲۰ آگوست ۱۹۰۶، بدون اجازه از بانک، حدود صد و سی و چهار خروار پشم، از اسدالله پشمچی خریداری کرد و قرار گذاشت که با درآمد حاصل از فروش پشم‌ها، چک‌های اسدالله را تسویه کند و اگر مبلغی نیز اضافی آمد، به وی بدهد. اما با افشای خیانت اسماعیلخان به بانک و توقیف وی، بانک به اسدالله اخطار داد که بایستی حواله‌های خود را با بانک تسویه کند و قبوضی را که از اسماعیلخان گرفته است، با خودش حساب کند؛ در حالی که اسماعیل خان از پرداخت پول امتناع می‌کرد و بانک را مسئول می‌دانست. بدین ترتیب، فراشان بانک در مقابل بدهی اسدالله، انبارهای وی را مهمور و به کارگزاری واگذار کردند. اسدالله پشمچی مدعی بود که برای حل مشکل وی، بانک بایستی طبق قاعده، جلسه‌ای با حضور تاجر دیگر تشکیل دهد؛ در حالی که بانک فقط با حضور مفتش، رئیس بانک و کنسول انگلیس تشکیل جلسه داده بود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۸-۱-۱۹).

وی از عملکرد کنسول انگلیس و تعلل وی در برگزاری جلسه‌ای برای حل این مشکل، به سیف‌الدوله، حکمران کرمانشاه، شکایت کرد و این تأخیر را باعث خسارت و از بین رفتن کالای خود دانست. سیف‌الدوله با همکاری کارگزاری، از کنسولگری انگلیس درخواست کرد که هر چه سریع‌تر، جلسه‌ای با حضور دو تن از تاجر، برای رسیدگی به پرونده اسدالله تشکیل دهد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۶-۱-۱۹)؛ اما با حل نشدن این قضیه، اسدالله از وزارت خارجه درخواست کمک کرد. وزارتخانه نیز با کاوش‌های خود،

بی‌گناهی اسدالله را اعلام کرد و توقیف انبارهای وی را بی‌علت و باعث‌ضرر و زیان مالی و خدشه وارد کردن به اعتبار وی دانست (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۹۵-۱-۱۹). بانک شاهی کرمانشاه حکم حقانیت اسدالله پشمچی را قبول نکرد؛ اما به علت دستور رئیس بانک شاهنشاهی تهران که در جریان کامل کاوش‌هایوزارت خارجه بود، به شکل دوستانه به این قضیه خاتمه داد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۵-۱-۱۹).

ماجرای صارم نظام

اسماعیل خان به صارم نظام حدود پانصد تومان وام داد و در مقابل، باغ و املاک وی را که حدود دو هزار تومان ارزش داشت، به عنوان وثیقه گرفت. اما چون به املاک وی چشم طمع داشت، در هنگام بازپرداخت وام، از گرفتن پول سرباز زد و صارم نظام هم، پول را نزد یکی از تاجر امانت گذاشت. بعد از مدتی، بانک شاهی اعلام کرد که به علت قصور صارم نظام در پرداخت بدهی‌اش، قصد مصادره املاک وی را دارد. طی جلسه‌ای که برگزار شد بانک درخواست اصل و فرع پول را کرد و اخطار داد، در صورت پرداخت نکردن، مصادره املاک او محق است. صارم نظام نیز ناچار شد ملکی را که حدود هزار تومان ارزش داشت، به بانک بفروشد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۱-۱-۱۹).

ماجرای صمصام‌الممالک^۵

از دیگر اقدامات اسماعیل خان، دادن قرض به اشخاص مختلف و دریافت ضمانت نامه به نام خودش بود. وی مبلغی را به صمصام‌الممالک داد و سپس از قرار، صدی بیست و چهار ملک او را عوض قبالة دریافت کرد و بعد به وی اجازه داد که ملک را عوض فرع بدهد. اسماعیل خان بعد از اینکه توقیف و از کار برکنار شد،

هنگامی که محمدعلی میرزا، شاه سابق، در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م با کمک روس‌ها به استرآباد آمد تا با کمک عشایر هوادارش و نیز پشتیبانی برادرش، سالارالدوله، به تاج و تخت برسد، سالارالدوله فعالیت‌هایی را در غرب کشور آغاز کرد (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۷). وی با کمک عشایر، علیه مشروطه اقدام کرده و مجلس را غافلگیر کرد. دولت نیز حساب‌های مالی سالارالدوله را در شعبه‌های بانک مسدود کرده و تلاش کرد تا با کمک حکمرانان ایالت‌های غرب، شورش وی را سرکوب کند. بعد از ضبط شدن پول‌های سالارالدوله در شعبه همدان، او در ۲ محرم ۱۳۳۰/ ۲۸ دسامبر ۱۹۱۱، از بانک کرمانشاه خواست که حواله‌های وی را قبول کند و تهدید کرد در غیر این صورت، بانک کرمانشاه را غارت خواهد کرد. اداره انگلیس نیز اعلام کرد، اگر مجبور به پرداخت پول شود، قروض سالارالدوله به عنوان بدهی دولت ایران محسوب خواهد شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۰ ق، سند شماره ۴-۲-۴۱).

دولت ایران با دادن این امید که سالارالدوله به علت نداشتن تجهیزات کافی، جرئت حمله به کرمانشاه را ندارد، از بانک خواست که با بهانه‌های مختلف، مانند نداشتن پول، از نقد کردن حواله‌های وی خودداری کند؛ در واقع، هدف دولت ایران این بود که تا رسیدن نیروی کمکی فرصتی فراهم شود (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۰ ق، سند شماره ۵-۲-۴۱). با همه وعده‌های دولت، سالارالدوله به کرمانشاه حمله کرد و باعث ناامنی و تعطیلی بانک کرمانشاه شد. همچنین، به علت برخورد گلوله به ساختمان بانک، حدود دویست و پنجاه تومان خسارت به آن وارد شد و طبق گزارش رئیس بانک، بسیاری از وسایل، از جمله ماشین تایپ، از بین رفت (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۰ ق، سند شماره ۲-۲-۴۱).

با وجود اینکه در مقابل قرض خود به صمصام‌الممالک زمین او را گرفته بود، طلب خود را درخواست کرد. در همین راستا، سند صمصام‌الممالک و دیگران را به بانک داد و مفتش بانک هم از صمصام‌الممالک درخواست پرداخت بدهی‌اش را کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ ق، سند شماره ۶-۱-۱۹). صمصام‌الممالک مدعی شد که ملکی را نزد اسماعیل گرو گذاشته است و اکنون نیز، قادر به ادای وجه نیست و عنوان کرد که چون کلاتر صحنه، یکی از مناطق کرمانشاه، حدود بیست هزار تومان از میرزا اسماعیل طلب دارد، بدهی او را با طلب کلاتر تسویه کند؛ اما اسماعیل به این کار راضی نشد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ ق، سند شماره ۳۱-۱-۱۹).

این ماجرا باعث دخالت وزارت خارجه شد؛ همچنین دستور مشیرالدوله به شریف‌الملک، حکمران کرمانشاه، مبنی بر پرداخت بدهی صمصام‌الممالک را موجب شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ ق، سند شماره ۳۲-۱-۱۹). مشیرالدوله همچنین، از بانک تقاضا کرد که همان‌گونه که مطالبات اسماعیل خان را پیگیری می‌کند، در پی ادای قروض اسماعیل خان نیز باشد؛ زیرا بسیاری از مردم، معامله با وی را معامله با بانک می‌دانستند و مطالبه از شخص اسماعیل، باعث شکایت از بانک می‌شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ ق، سند شماره ۳۸-۱-۱۹). در همین راستا، در ۷ شوال ۱۳۲۵/ ۱۳ نوامبر ۱۹۰۷، به شعبه بانک کرمانشاه دستور داده شد تا به تمام معاملات اسماعیل خان رسیدگی و مطالبات او را طلب کند؛ همچنین، قروض وی را ادا کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ ق، سند شماره ۳۳-۱-۱۹).

ماجرای شاهزاده سالارالدوله

افزون بر مشکلاتی که بانک در زمینه امنیت و وصول اعتبارات و عملکرد اسماعیل خان داشت، گاه به صورت ناخواسته، وارد مسائل سیاسی می‌شد.

سایر فعالیت‌های بانک

فعالیت‌های تجاری: ایالت کرمانشاه یکی از مراکز مهم تولید پشم بود. طبق داده‌های آماری، قیمت پشم در سال‌های آغازین قرن بیستم، نزدیک به دو برابر شد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۸۳). پشم کرمانشاه، پشم گوسفند و معروف به پشم کردی بود که در لرستان و نواحی کلهر، گوران، سنجابی و در حوالی خود شهر کرمانشاه به عمل می‌آمد. محصول پشم کرمانشاه، در حدود دو هزار خروار بود و از این مقدار، هزار و پانصد خروار از راه بغداد به انگلستان و ماری و آمریکا ارسال شده و باقی در داخل کشور مصرف می‌شد (جمالزاده، ۱۳۷۳: ۳۳). بانک شاهی کرمانشاه برای کسب درآمدهای بیشتر، این محصول را از تولیدکنندگان آن می‌خرید و با نام بانک، در بغداد و سایر کشورهای می‌فروخت (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۸-۱-۱۹).

همکاری در حل مشکلات مردم: بانک به منظور نفوذ در منطقه و جلب اعتماد مردم، گاه به حمایت از آنان و همکاری در حل مشکلاتشان می‌پرداخت. البته این اقدام بانک خودسرانه نبود و با حمایت یا دستور حکومت همراه بود؛ برای نمونه، زمانی که معتضدالدوله، مباشر مالیاتی کرمانشاه، به علت اختلاف مالی و شخصی با خطیب‌الملک، دو فقره قبض وی را که در بانک داشت، به مبلغ سیصد و پنجاه تومان و یکصد و بیست لیره عثمانی گرفت، خطیب‌الملک از وزارت خارجه درخواست رسیدگی به این اختلاف را کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۶ق، سند شماره ۳-۳۲-۳۳). بانکشاهی نیز طبق دستور وزارت خارجه، در تاریخ ۲۱ ذی‌القعدة ۱۵/۱۳۲۶ دسامبر ۱۹۰۸، برای حمایت از خطیب‌الملک، از نقد کردن قبوض وی که شخص دیگری به بانک می‌آورد، خودداری کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۶ق، سند شماره ۲-۳۲-۳۳).

پیامدهای فعالیت بانک شاهی کرمانشاه

فعالیت شعبه بانک شاهی در کرمانشاه، آثار مثبتی را به همراه داشت؛ از جمله آسان کردن معاملات تجار و مردم با سایر شهرها، رتق و فتق امور مالی شهر، کمک‌های مالی به اقشار مختلف و رونق اقتصادی این شهر. اما افزون بر این آثار، پیامدهایی را نیز برای کرمانشاه در برداشت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

بیکاری صنف تجار و صرافان

در تمام قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری، فعالیت اصلی اقتصادی ایران کشاورزی بود. اکثر مردم زندگی خود را از طریق کشاورزی یا دامداری تأمین می‌کردند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۵۳). کرمانشاه نیز یکی از سرزمین‌های غنی ایران بود که پشم خام، میوه، تریاک، پوست و پارچه صادر و رنگ، دارو، قند، چای و پارچه وارد می‌کرد (احصائیه تجارته ایران، ۱ فروردین ۱۲۸۸ تا ۲۹ اسفند ۱۲۸۸: ۱۳۷). تجار بزرگ در بازار، موقعیت ممتازی داشتند. پایگاه اجتماعی آنان، از کسبه و پیشه‌وران که اصناف را تشکیل می‌دادند، به طور کامل متمایز بود. تجار در رأس قدرت منزلت و ثروت بازار جای داشتند (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

در سال ۱۲۹۷ ق/۱۸۷۹ م، شش گروه از تجار کرمانشاه، با لندن-بمبئی معاملات تجاری داشته و در بازار، بیش از صد هزار لیره (۴۰۲۰۰۰ ریال) اعتبار داشتند. ده گروه دیگر تجار هم، در حدود بیست و پنج هزار لیره (۱۰۵۰۰۰ ریال) سرمایه داشتند که با بغداد و ایران معامله می‌کردند. گروه‌های دیگر که با نام تجار طبقه دوم از آنان یاد می‌شود، هر یک در حدود یک هزار تا دو هزار لیره (۴۰۲۰۰ تا ۸۰۴۰۰ ریال) اعتبار داشتند که به طور معمول، معاملات آنان محدود بود (فلور، ۱۳۶۶: ۱۷۲/۲). بنا بر گزارش کنسولگری انگلیس، در سال ۱۳۲۱

مشکلشان را پیگیری می‌کرد؛ برای نمونه، زمانی که در کرمانشاه یکی از کارمندان بانک شاهی در جریان دعوی دو تن از اهالی تیر خورد، کنسولگری انگلیس از کارگزاری و وزارت داخله، درباره این اتفاق بازخواست کرد و خواهان توضیحی درباره آن شد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶ق، اسناد شماره ۴ و ۵-۲۸-۳۴). هیل نیز در کتاب خود، به این واقعه اشاره کرده است. محتمل است، این حادثه در زمانی رخ داده که وی ریاست بانک کرمانشاه را بر عهده داشته است (Hale, 1920:227). همچنین، زمانی که از خانه عزیرالله، فراش بانک، سرقت شد، بانک از طریق کارگزاری و حکمران منطقه، این مسئله را پیگیری کرد (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵-۹-۱۱). این حمایت جنبه منفی داشت و باعث مشکلات دیگری می‌شد. چنان‌که اگر خلافتی از اینخدهمتگزاران سر می‌زد، دولت نمی‌توانست آنان را مواخذه کند و این مسئله به ضرر مردم بومی تمام می‌شد؛ از سوی دیگر، حمایت بانک جرأت و جسارت بیشتری برای انجام کارهای غیرقانونی، به آنان می‌داد. چنان‌که در پی شکایت بانک از مسامحه کارگزاران محلی و تعویق وصول مطالبات بانک، دولت از بانک خواست که دیگر از اسماعیل خان حمایت نکند تا مشکل ایجاد نشود؛ زیرا، اقدامات اسماعیل خان باعث خسارت مردم شده بود (اسناد وزارت خارجه، سند شماره ۱۳۲۵ق، ۸۷-۱-۱۹).

بحران هویت فرهنگی

حمایت بانک و سایر مؤسسه‌های انگلیسی از کارگزاران ایرانی، باعث شد تا مردم به پذیرش تابعیت دولت انگلیس تشویق شوند. با این هدف که ضمن بهره بردن از حمایت آنان و درامان ماندن از هر گونه تعدی، از امتیازهای مختلفی که دولت ایران به آنان واگذار نمی‌کرد، استفاده کنند. چنان‌که امتیازهای اعطایی به بازرگانان خارجی، نه تنها به

ق/ ۱۹۰۵ م، سالیانه نزدیک به بیست هزار پوست مختلف، از کرمانشاه به خارج حمل می‌شد که پانزده هزار آن، به روسیه می‌رفت (جمالزاده، ۱۳۷۳: ۳۰). سیاح نیز از وکیل الدوله، از ملاکان بزرگ کرمانشاه، یاد می‌کند که تجارت وسیعی با پاریس و لندن داشت (سیاح، ۱۳۵۶: ۳۰). او کشت کتیرا را نیز در کرمانشاه گسترش داده بود (ورهرام، ۱۳۸۵: ۲۱۶). اما با آغاز فعالیت بانک در این منطقه و اعطای وام‌ها متعدد، تجار ضمن وابسته شدن به بانک و از دست دادن اعتبار و حیثیت خود در میان مردم، از سیستم تجارت داخلی و خارجی نیز حذف شدند. بدین ترتیب، فعالیت‌های بانک جایگزین فعالیت‌های بازرگانان و صرافان شد و در نهایت، به بیکاری یا کساد حریفه این دو گروه انجامید.

تحکیم نفوذ سیاسی انگلیس

انگلیسی‌ها از مدت‌ها قبل و براساس قرارداد ۱۳۳۴ ق/ ۱۹۱۵ م با روسیه، توانستند در ازای واگذاری قسطنطنیه به روس‌ها، منطقه بی‌طرف ایران در قرارداد ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م را که شامل مناطق نفت‌خیز بود، به منطقه نفوذ خود اضافه کنند. پس از جنگ جهانی اول، تفنگداران جنوب ایران که به منظور مقابله با مأموران فعال آلمانی تشکیل شده بودند، وظیفه حفظ منافع انگلیس را در این نواحی بر عهده گرفتند. بانک شاهی کرمانشاه نیز به عنوان مؤسسه‌ای اقتصادی، در راستای اهداف استعماری دولت بریتانیا در این منطقه عمل می‌کرد. این بانک با مصادره املاک و زمین‌های مردم، در قالب وصول نشدن وام‌ها، به گسترش نفوذ استعماری انگلیس یاری می‌رساند.

سوءاستفاده از حمایت بانک

افرادی که برای نیروهای بیگانه کار می‌کردند به نحوی تحت حمایت آنان بودند. هنگامی که برای اعضای بانک حادثه‌ای رخ می‌داد، بانک از آنان حمایت کرده و

به علاوه، آنان رابه پذیرش تابعیت دول بیگانه، برای بهره‌مندی از امتیازها تشویق کرد. این امر باعث بحران هویت فرهنگی در کرمانشاه شد که با رواج کالاهای فرنگی و فرهنگ غربی تشدید یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. بیجک عبارت از سندی بود که صراف ضمن آن وصول مبلغی را اعلام و به وعده کوتاه یا اغلب عندالمطالبه، تعهد پرداخت می‌کرد. به طور معمول، بیجک در مقابل برات‌های تسلیمی تجار صادر می‌شد و بر حسب میزان شهرت و اعتبار صراف در بازار رواج می‌یافت (چاپخانه بانک ملی، ۱۳۳۸: ۲۲).

۲. برای آشنایی بیشتر با تجارتخانه و صرافخانه‌های ایران رجوع کنید به: تجار، مشروطیت و دولت مدرن، ترابی فارسانی: ۷۳ تا ۸۳.

۳. فرزند اعظم‌الدوله (آذری شهرضایی، ۱۳۸۵: ۳۸).

۴. معروف به خان حاکم فرزند علی‌اکبر خان شرف‌الملک (سنجابی، ۱۳۸۰: ۲۲ و ۲۳).

۵. رئیس ایل سنجابی و حاکم قصرشیرین (سنجابی، ۱۳۸۰: ۳۵۲).

کتابنامه

الف. اسناد آرشیوی

- اسناد وزارت خارجه، ۱۳۲۱ق، سند شماره ۶۵-۱۸-۱۴.
- ، ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵-۹-۱۱.
- ، ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۴-۱۲-۳۴.
- ، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۴۰-۵-۴۰.
- ، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱۰۵-۵-۴۰.
- ، ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱۸۶-۵-۴۰.
- ، ۱۳۲۹ق، سند شماره ۲-۱۵-۴۰.
- ، ۱۳۲۹ق، سند شماره ۳-۱۵-۴۰.
- ، ۱۳۲۷ق، سند شماره ۸۹-۵-۴۰.

تولیدکنندگان محلی، بلکه به تجار داخلی نیز صدمه وارد کرده بود؛ برای نمونه، یک واردکننده اروپایی البسه نخ‌ی در مرز، پنج درصد عوارض می‌پرداخت؛ اما واردکننده ایرانی همان کالا، مجبور بود هفت تا هشت درصد به عنوان عوارض اضافی، عوارض بازار، مالیات محلی و عوارض راه پردازد، این اجحاف‌ها تجار بومی را ناگزیر می‌کرد دست از کار بکشند یا به تابعیت خارجی‌ها درآیند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۴ تا ۵۶). این امر موجب بحران هویت فرهنگی در کرمانشاه و اکثر شهرهای ایران شد. افزون بر این، ورود کالاهایی مانند پارچه‌های نخ‌ی انگلیسی یا هندی، قند فرانسوی، سیگارهای دخانیات ترکیه و آبجوها دانمارکی که از انگلیس راهی کرمانشاه می‌شد، فرهنگ غربی را رواج می‌داد.

نتیجه

شعبه بانک شاهنشاهی در کرمانشاه از سال ۱۹۰۲ م/۱۳۲۰ق، فعالیت خود را آغاز کرد. این بانک با به دست گرفتن امور تجاری کرمانشاه و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با اقشار مختلف جامعه، به سرعت جایگاه خود را در میان مردم و تجار مستحکم کرد. از کارکردهای اساسی بانک، پرداخت اعتبارات به مردم بود. سیستم وام‌دهی، اهرم فشاری را در اختیار بانک قرار داد که در صورت مسامحه یا ناتوانی وام‌گیرندگان، املاک آنان را مصادره کند. از این رو، افزون بر حذف تجار و صرافان بزرگ کرمانشاه از چرخه مبادلات داخلی و تجاری، با تملک املاک آنان، نفوذ استعماری خود را که در راستای اهداف اولیه تأسیس این شعبه بود، افزایش داد و جایگاه خود را تثبیت کرد. همچنین، بانک با حمایت از اسماعیل خان، کارمند ایرانی بانک و تأیید عملکرد وی در برابر دولت و مردم، به تجار و سایر اقشار مردم‌مضر و زیان وارد کرد.

- ۱۳۲۷ق، سند شماره ۶۷-۰۵-۴۰.
- ۱۳۲۷ق، سند شماره ۶۹-۰۵-۴۰.
- ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۸-۱۴-۳۴.
- ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۹-۱۴-۳۶.
- ۱۳۳۳ق، سند شماره ۱۴-۵-۴۳.
- ۱۳۳۳ق، سند شماره ۵-۱۴-۳۴.
- ۱۳۳۳ق، سند شماره ۴-۱۴-۳۴.
- ۱۳۳۶ق، سند شماره ۲-۲۸-۳۲.
- ۱۳۲۱ق، سند شماره ۲۹-۰۴-۲۷.
- ۱۳۲۱ق، سند شماره ۲۳-۰۴-۲۷.
- ۱۳۲۱ق، سند شماره ۲۸-۰۴-۲۷.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۸-۱-۱۹.
- ۱۳۳۰ق، سند شماره ۱-۲۳-۴۱.
- ۱۳۲۹ق، سند شماره ۱-۱۵-۴۰.
- ۱۳۳۸ق، سند شماره ۱-۴۸-۳۵.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۶-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۵۸-۹-۱۱.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۳۱-۱-۱۹.
- ۱۳۲۸ق، سند شماره ۱-۱۳-۴۰.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۹۵-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۱۵۵-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۶-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۳۱-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۳۲-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۳۸-۱-۱۹.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۳۳-۱-۱۹.
- ۱۳۳۰ق، سند شماره ۴-۲-۴۱.
- ۱۳۳۰ق، سند شماره ۲-۲-۴۱.
- ۱۳۳۰ق، سند شماره ۵-۲-۴۱.
- ۱۳۲۶ق، سند شماره ۳-۳۲-۳۳.
- ۱۳۲۶ق، سند شماره ۲-۳۲-۳۳.
- ۱۳۳۶ق، سند شماره ۵-۲۸-۳۴.
- ۱۳۳۶ق، سند شماره ۴-۲۸-۳۴.
- ۱۳۲۵ق، سند شماره ۸۷-۱-۱۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰-۵۱۵۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۳-۲۵۱۷.
- ب. کتاب‌ها**
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه: کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، چ ۱، تهران: مرکز. آذری شهرضایی، رضا، (۱۳۸۵)، گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاه، به کوشش رضا آذری شهرضایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ابتهاج، ابوالحسن، (۱۳۷۱)، خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، تهران: علمی.
- احتشام‌السلطنه، محمود، (۱۳۷۰)، خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش محمدمهدی موسوی. چ ۲، تهران: زوار.
- بشیری، احمد، (۱۳۶۲)، کتاب آبی، چ ۲، تهران: نو.
- ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۴)، تجار مشروطیت و دولت مدرن، تهران: تاریخ ایران.
- جکسن، آبراهام ویلیامز، (۱۳۵۷)، سفرنامه جکسن؛ ایران در گذشته و حال، ترجمه: منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۶۴)، گنج شایگان؛ اوضاع اقتصادی ایران، تهران: سخن.
- چاپخانه بانک ملی ایران، (۱۳۳۸)، تاریخ سی ساله بانک ملی ایران، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- رایینو، لوئی، (۱۳۵۲)، مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو، به کوشش محمد روشن، گیلان: حیدری.

و. منابع لاتین

- . سنجابی، علی اکبر، (۱۳۸۰)، ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران؛ خاطرات علی اکبر سنجابی، به تحریر کریم سنجابی، تهران: شیرازه.
- . سیاح، حمید، (۱۳۵۶)، خاطرات حاج سیاح، تهران: امیرکبیر.
- . سیف، احمد، (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- . شاهدی، مظفر، (۱۳۸۷)، تاریخ بانک شاهنشاهی ایران؛ گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- . فلور، ویلم، (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس.
- . گرکه، اولریخ، (۱۳۷۷)، پیش به سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، کتاب اول، تهران: سیامک.
- . لمبتون، آک، س، (۱۳۷۵)، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان خرد.
- . ناطق، هما، (۱۳۷۳)، بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو؛ بر پایه آرشیو امین‌الضرب، تهران: توس.
- . ورهرام، غلامرضا، (۱۳۸۵)، نظام سیاسی و سازمان اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران: معین.

ج. مقاله‌ها

- . مشیری، محمد، (۱۳۵۲)، ه. لوئی رابینو ایران دوست ایران شناس، مجله گوهر، ش ۲۵، ص ۷۰۹ تا ۷۱۷.

د. لوح فشرده

- . احصائیه تجارتي ایران، ۱ فروردین ۱۲۸۸ تا ۲۹ اسفند ۱۲۸۸: ۱۳۷.